دوشنبه
۲۳ شهریور ۱۴۰۵- ۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ - ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۶- شماره ۳۱۳۳-پیاپی ۴۴۵۱

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»

مدیرمسئول: عاطفه خسروی

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی-۱۰۸)
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸
تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶- کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
چاپخانه: صمیم

www.smtnews.ir info@smtnews.ir
telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper
tozi.smtnews@gmail.com http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

عکس روز

کهن‌ترین صندوق امانات بانکی جهان

منبع: ایرنا

یادداشت

سینما در عصر دگرگونی

قربانعلی تنگ شیر- منتقد سینما: سینما همچنان یکی از جدی‌ترین و اثرگذارترین ابزارهای فهم و روایت جهان پیرامون ماست؛ اما امروز، در شرایطی که جامعه ایران با پیامدهای جنگ، فشارهای اقتصادی و مجموعه‌ای از بحران‌های اجتماعی مواجه است، نوعی افسردگی و فرسودگی پنهان در جامعه شکل گرفته که سینما و هنرمندان نیز از آن در امان نمانده‌اند. هنرمندان بخشی از جامعه‌اند که برای ادامه حیات حرفه‌ای و حفظ انگیزه خود، بیش از بسیاری از اقشار دیگر به دیده‌شدن، حمایت و ارتباط با مخاطب نیاز دارند. بیکاری، بی‌پولی، کاهش فرصت‌های کاری و خانه‌نشینی، به‌ویژه برای هنرمندانی که معمولاً حساسیت‌های روحی و عاطفی بیشتری دارند، می‌تواند به‌تدریج آنان را از درون فرسوده و تهی کند.

جنگ در طول تاریخ بسیاری از سرمایه‌های انسانی و فرهنگی را با خود برده است و در نهایت، برنده واقعی جنگ، خود جنگ است؛ زیرا حتی پیروزی نظامی نیز نمی‌تواند خسارت‌های انسانی، روانی و فرهنگی آن را جبران کند. با این حال، هنرمندان همواره در جنگ‌ها و بحران‌ها حضوری زنده و اثرگذار داشته‌اند و هنر توانسته است روایت انسان، رنج، امید و زندگی را حفظ کند.

سینمای ایران نیز سال‌هاست در مسیری پرپیچ‌وخم حرکت می‌کند؛ سینمایی که بخش مهمی از ساختار آن به نهادها و حمایت‌های دولتی وابسته است و در سال‌های اخیر با چالش‌های جدی اقتصادی و ساختاری روبه‌رو شده است. کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش ریسک تولید، تغییر زاویه دید و ذائقه تماشاگر، تحولات سیاسی و اجتماعی، گسترش سینمای زیرزمینی، مدل‌های جدید اکران، تغییر الگوهای تولید، ورود هوش مصنوعی و بحران‌های راهبردی در سیاست‌گذاری سینما، همگی عواملی هستند که آینده این هنر را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در سال‌های اخیر، در هالیوود نیز بارها درباره آینده سینما و حتی احتمال افول شکل سنتی آن بحث شده است. گسترش پلتفرم‌ها، تغییر عادت‌های تماشای فیلم و کاهش وابستگی مخاطب به سالن‌های سینما، شکل ارتباط مردم با فیلم را دگرگون کرده است.

با این حال، مخاطب همچنان به دنبال اثری است که او را درگیر کند، احساساتش را برانگیزد و ذهنش را به حرکت وادارد. شاید سینمای آینده نه حذف کامل سالن‌های سینما، بلکه ترکیبی از تجربه سالن، پلتفرم، فناوری و شکل‌های تازه روایت باشد؛ سینمایی چندوجهی که بتواند خود را با تغییرات مخاطب و فناوری هماهنگ کند.

نمایش فیلم از سالن‌های سینما به سمت پلتفرم‌ها در حال تغییر است، اما سالن سینما همچنان برای من یکی از باشکوه‌ترین و حتی مقدس‌ترین مکان‌ها برای دیدن فیلم است؛ جایی برای مکث، مشاهده، تمرکز و فکر کردن. ارزش سینما فقط به لحظه نمایش فیلم محدود نمی‌شود؛ از ایده و فیلمنامه تا تولید، توزیع، تبلیغات، اکران و ارتباط با مخاطب، همه اجزای این زنجیره در حال تجربه یک تحول ساختاری هستند و شکل نمایش یکی از مهم‌ترین بخش‌های این تحول است.

با این حال، در ایران حتی روز سینما نیز هنوز نتوانسته به جایگاهی شایسته این هنر برسد و گاه تمام معنای آن به نیم‌بها شدن بلیت سینماها تقلیل پیدا می‌کند. در حالی که می‌توان این روز را به یک رویداد فرهنگی و هنری ملی تبدیل کرد؛ فرصتی برای گفت‌وگو درباره سینما، تجلیل از هنرمندان، بررسی آینده این صنعت و نزدیک‌تر شدن سینما به مردم. گاهی تأسف‌بارتر اینکه در مراسم درگذشت هنرمندان، شاهد گردهمایی‌هایی هستیم که از نظر حضور چهره‌ها و حتی شکل اجرا، بیشتر به یک مراسم فرش قرمز شباهت پیدا می‌کند.

این پرسش جدی است که چرا معمولاً عده‌ای خاص در چنین مراسمی حضور پررنگ دارند، با لباس‌های گوناگون عکس یادگاری می‌گیرند، پیام‌های تکراری می‌دهند و در مراسم امضای تابلوهای یادبود شرکت می‌کنند، در حالی که در زمان حیات همان هنرمند، کمتر نشانی از توجه و حمایت واقعی دیده می‌شود؟ مردم این تناقض‌ها را به‌خوبی می‌بینند و تکرار چنین رفتارهایی می‌تواند اخلاق حرفه‌ای و کرامت انسانی را تحت تأثیر قرار دهد. کافی است تصاویر و فیلم‌های مراسم در تالار وحدت، خانه سینما یا خانه هنرمندان را مرور کنیم تا با چهره‌ها و سخنان تکراری مواجه شویم؛ سخنانی که گاه بیشتر از آنکه اثرگذار باشند، به یک آیین تشریفاتی تبدیل شده‌اند.

احترام به هنرمند باید در زمان حیات او معنا پیدا کند، نه فقط پس از مرگ. هنرمندان نیز باید بیش از هر کس دیگری به یکدیگر احترام بگذارند و برای حفظ جایگاه حرفه‌ای و شأن انسانی خود تلاش کنند. سینمای ایران نیازمند تغییرات بنیادی است؛ تغییری که صرفاً محصول شرایط جنگ یا بحران اقتصادی نیست و ریشه‌های آن را باید در ساختار تولید، سرمایه‌گذاری، سیاست‌گذاری، آموزش، توزیع، اکران، ارتباط با مخاطب و نگاه به آینده جست‌وجو کرد.

نسل جوان و هنرمند امروز بیش از هر زمان دیگری به هنر متعالی و آثار اندیشه‌محور نیاز دارد. سینما نباید

میراث فرهنگی دیر به صحنه جرم می‌رسد

هر بار که یک خانه یا بنای تاریخی تخریب می‌شود، پس از انتشار تصاویر و شکل‌گیری موجی از اعتراض‌ها، بحث پیگیری قانونی و برخورد با عامل تخریب مطرح می‌شود؛ روندی که در سال‌های اخیر در شهرهای مختلف کشور تکرار شده است. محمد بهشتی، در بررسی این چرخه، از تعارض منافع عمومی و خصوصی، کند شدن روند ثبت آثار و ضرورت استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای حفاظت از بناهای تاریخی سخن گفت. تخریب «پادگان روس‌ها» یا «خانه واجدارزش تومانیان» در سبزوار خراسان رضوی، هنوز با واکنش‌ها و اعتراض‌های فعالان میراث فرهنگی همراه است که تصاویر تخریب یک خانه در بافت تاریخی تبریز منتشر می‌شود؛ اتفاقی که البته نمونه‌ای تکراری است و در سال‌های اخیر در شهرهایی چون کرمان، شیراز، تهران، اصفهان، مشهد، کاشان و... نیز بارها شاهد آن بوده‌ایم. تکرار چرخه این تخریب‌ها و ورود میراث فرهنگی پس از وقوع حادثه، این پرسش را پررنگ‌تر می‌کند که اساساً این نهاد در چه مرحله‌ای باید از خطر تخریب یک بنای تاریخی مطلع شود و چرا در بسیاری از موارد، زمانی وارد ماجرا می‌شود که دیگر امکان پیشگیری از تخریب از بین رفته است؟ محمد بهشتی، پیشکسوت میراث فرهنگی و رئیس اسبق سازمان میراث فرهنگی کشور، در پاسخ به این پرسش و با اشاره به تعارض میان منافع عمومی و خصوصی به ایسنا گفت: ما یک منفعت عمومی داریم و یک منفعت خصوصی یا اختصاصی. موضوع حفاظت از آثار با ارزش، معمولاً جزو منافع عمومی است و کسانی که در همان موضوع منافع خصوصی یا اختصاصی دارند، در بسیاری از مواقع این دو منفعت در تضاد و تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ یعنی حفظ یک منفعت، موکول به از دست رفتن منفعت دیگر می‌شود. او ادامه داد: اگر یک مرور کلی بر ۴۰ سال گذشته داشته باشیم، می‌بینیم که ترجیح منفعت خصوصی بر منفعت عمومی فراوان‌تر بوده و عملاً شاهد تخریب آثار بیشتری بوده‌ایم. جامعه در آن دوره حساسیت لازم را نداشت. از آنجا که مالک منفعت عمومی، کل جامعه است، وقتی جامعه نسبت به این موضوع حساسیت نداشت، تخریب صورت می‌گرفت و صدای کسی هم بلند نمی‌شد. بهشتی افزود: هرچقدر جلوتر می‌آییم، می‌بینیم جامعه نسبت به منفعت عمومی خودش هوشیارتر شده و با هوشیاری بیشتری واکنش نشان می‌دهد. همین کاروانسرا در سبزوار را در نظر بگیرید، اگر ۳۰ یا ۴۰ سال پیش تخریب می‌شد، اصلاً کسی متوجه نمی‌شد و هیچ خبرگزاری هم آن را منعکس نمی‌کرد، اما امروز چه اتفاقی افتاده است؟ می‌بینیم در شبکه‌های اجتماعی، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مختلف، همه نسبت به تخریب یک اثر با ارزش در یک شهر، مثل سبزوار در خراسان، آه و افسوس سر می‌دهند. او این تغییر رویکرد جامعه را از یک منظر اتفاقی مثبت دانست و گفت: به نظر من این اتفاق، از این جهت که جامعه نسبت به میراث خودش حساس شده، اتفاق خیلی خوبی است. بهشتی درباره اینکه میراث فرهنگی در چه مرحله‌ای باید از تصمیم مالک برای تخریب یک بنا مطلع شود، گفت: وقتی برای تخریب اثر از شهرداری درخواست می‌شود، این شهرداری است که باید استعلام بگیرد، میراث فرهنگی که علم غیب ندارد. سر همه ساختمان‌ها هم که حضور ندارند. شهرداری مأمورانی دارد که در شهر می‌چرخند و کوچک‌ترین تحرکی را در ساخت‌وساز می‌بینند و پیگیری می‌کنند. وقتی مالک برای چنین اقدامی درخواست می‌کند، شهرداری باید از میراث فرهنگی استعلام بگیرد و به این ترتیب میراث فرهنگی مطلع می‌شود و می‌تواند درباره موضوع اظهارنظر کند. او افزود: اتفاقی که باید می‌افتاد این بود که وقتی مالک برای تخریب درخواست می‌کند، شهرداری از میراث فرهنگی استعلام بگیرد، اما می‌بینیم که عملاً شهرداری روی این موضوع چشم پوشانده و این کار را نکرده است. بهشتی با اشاره به تعارض منافع احتمالی در این زمینه گفت: اینجا گفته می‌شود منافع اقتصادی و اختصاصی شهرداری مطرح است، چون شهرداری هم از این محل درآمد کسب می‌کند. او درباره نقش ثبت ملی در حفاظت از بناهای تاریخی نیز اظهار کرد: ثبت ملی و تعیین حریم‌ها در واقع تمهیدات قانونی هستند برای اینکه یک حفاظ قانونی برای آثار تاریخی ایجاد کنند. قطعاً اگر در یک چشم‌انداز کلی نگاه کنید، آثاری که در فهرست آثار ملی ثبت می‌شوند، کمتر در معرض تخریب قرار می‌گیرند تا آثاری که ثبت نشده‌اند. البته این موضوع هم مراحلی دارد. یکی از مراحل این است که مشخص شود یک اثر اصلاً واجد ارزش است یا نیست. این اثر قبلاً اعلام شده بوده که واجد ارزش است. بهشتی با اشاره به تعداد بالای آثار تاریخی و روند ثبت آنها گفت: ما در کشور بالغ بر یک میلیون اثر باارزش داریم، درحالی که آنهایی که ثبت شده‌اند، حدود ۳۰ و چند هزار اثر بیشتر نیستند. ثبت آثار نیز یک فرآیند دارد. این فرآیند باید مستندسازی شود، نقشه لازم دارد و یک‌سری اقدامات و کارهای ضروری باید برای آن انجام شود و طبیعتاً زمان می‌برد. او البته بخشی از این مسئله را ناشی از عملکرد حوزه میراث فرهنگی دانست و گفت: به نظر من یک مقدار هم غفلت در حوزه میراث فرهنگی اتفاق افتاده است. سرعت ثبت آثار کم شده است. یک زمانی این دستگاه در امر ثبت بسیار سریع و فعال بود، اما الان یک مقدار شاهد کندی حرکت در این زمینه هستیم و به نظر من باید سرعت ثبت آثار را افزایش دهند.

جشنواره

بیست و دومین جشنواره ملی انتشارات روابط عمومی

انتشارات، قلب تپنده روابط‌عمومی‌است. این عنصر حیاتی، نقش محوری در انتقال مؤثر پیام، شکل‌دهی هویت سازمان، تعامل با مخاطبان و ایجاد اعتماد متقابل ایفا می‌کند. با توجه به اهمیت روزافزون ارتباطات و رقابت شدید، ارتقای کیفیت و تنوع محصولات انتشاراتی، به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای سازمان‌ها تبدیل شده است.

انجمن متخصصان روابط‌عمومی، با درک اهمیت این موضوع، هر ساله جشنواره ملی انتشارات روابط‌عمومی را دو بخش مکتوب و دیجیتال برگزار می‌کند. بیست و دومین جشنواره ملی انتشارات روابط عمومی نیز ۲۵ شهریور در مرکز مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی سازمان مدیریت صنعتی برگزار می‌شود.

این جشنواره باقدمت و تجربه بیش از دو دهه برگزاری تنها یک رویداد رقابتی یا آیینی برای تقدیر از آثار برتر نیست، بلکه بستری برای ارتقای استانداردهای حرفه‌ای، تبادل تجربه، و بازتعریف نقش روابط عمومی در حوزه تولید محتوا درزمینه فعالیت‌های مکتوب و الکترونیک انتشارات در کشوربه شمار می‌رود.

یادداشت

حضور توسعه پایدار در بطن تجارت جهانی

پریسا حاجی محمدی
کارشناس کسب و کار حرفه‌ای

سیستم تجارت بین‌الملل از ابتدا با ترکیبی مشخص از اجرا وعملیات شکل گرفته است.روابط تجاری را نمی‌توان صرفاً بر اساس اصول ساده و غیرقابل نقضی که تعریف شده‌اند تعیین کرد، ملاحظات عملی، سیاست و منافع ناگزیر برای تعیین مواضع اتخاذ شده کشورها بایستی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد به‌خصوص که در هر مورد ممکن است با مورد مشابه دیگر تفاوت هایی شفاف داشته باشد. واقعیت، زمانی است که از یک اقدام یا رویکرد سیاستی یک چالش مستمر پیش روی سیستم معاملاتی، قرار گیردکه در عین حال نیازها، علایق و اولویت‌های مختلف طرفین این تجارت بین‌المللی را برآورده می‌کند، از جمله کشورهای کوچکتر و ضعیف تر هیچ جایگزین جدی برای همکاری جز مذاکره ندارند و نتیجه این مذاکرات بر اساس سهم آنها در این مذاکرات ارزیابی خواهد شد. در اینجا این سوال پیش می‌آید که چگونه کشورهای در حال توسعه می‌توانند دستاوردهای بیشتری داشته باشند، پاسخ به این سوال به دو عامل اساسی بستگی دارد اول اینکه سیاست هایی هست که خود کشورهای در حال توسعه انتخاب می‌کنند. دوم این است که آیا سیستم معاملاتی به طور مناسب طراحی شده است و به طور موثر برای بازدهی به طرفین کار می‌کند؟

در مورد سهم توسعه‌ای بالقوه در تجارت و سرمایه گذاری، پیش شرط‌های اقتصادی و سیاسی، اجتماعی که کشورها را قادر می‌سازد از فضای باز بازار استفاده کنند، به چالش‌های مستمر کاهش فقر و پایداری محیط‌زیست مربوط می‌شود که موضوع اصلی مورد بحث همه محافل تجارت جهانی است.

چشم‌انداز توسعه کشورهای در حال توسعه، مبتنی بر این استدلال اساسی است که حتی اگر دولت‌ها از بهترین گزینه‌های سیاسی ممکن برای ارتقای توسعه آگاه بودند

رشدی که ناگزیر باید با توسعه همراه باشد، از مشارکت فعال همهٔ بنگاه‌های اقتصادی و سهم خواهی از تجارت جهانی حاصل می‌شود و در یک سیستم خوب طراحی شده از همکاری‌های بین‌المللی این اصل اساسی لحاظ می‌گردد. همچنین تجزیه و تحلیل رفتار تجارت بین‌الملل کشورهای درحال توسعه یا کمتر توسعه یافته را در

سیاست‌ها و مواضع کشور در مورد چشم‌انداز کشورهای آتی بتصویر می‌کشد.

در فرآیند توسعه پیچیدگی هایی وجود دارد از جمله جنبه‌های مختلف فرآیند توسعه که توسط بسیاری از پژوهشگران هم به عنوان غایت و هم به عنوان هدف اصلی شناسایی شده است حضور در عرصه‌های بین‌المللی برای تجارت است.

کمیته جهانی توسعه و محیط یا همان کمیسیون بروندلند تعریف جامعی از توسعه پایدار ارائه می‌دهد که بنا بر آن جامعه بشریت توانایی اجرای اصول توسعه پایدار را فقط در صورتی دارد که بتواند تضمین کند بدون به خطر افتادن توانایی هایی که منابع جهانی برای استفاده نسل‌های آینده جهت تأمین نیازهایشان، فراهم می‌آورد نیازهای حال را برآورده کند.لذا از این حیث لازم است اشاره کنیم به: مراقبت و نگهداری از محیط‌زیست برای نسل‌های آینده، کاهش فقر در جهان و توانمندسازی افراد فقیر که همه این رویکردها رشد اقتصادی را امری حیاتی می‌دانند و جزء فرآیند توسعه است، در حالی که تأکید می‌کند که توسعه چیزی بیش از رشد است.

رشد درآمد واقعی اصل مهمی برای گسترش، توسعه، و آزادی است، اما هدف نهایی نیست.ابزار و اهداف فرآیند توسعه نباید اشتباه گرفته شود. علاوه بر این، همبستگی بین سطح درآمد و کیفیت زندگی انسانها یکنواخت نیست و بهبود وضعیت زندگی بدون نیاز به رشد قابل توجه در درآمد واقعی امکانپذیر نیست.

در نهایت توسعه در مورد گسترش فرصت‌های انتخاب برای زندگی افراد است که دلایل زیادی برای ارزش‌گذاری دارند. ارتباط نزدیک با این تعریف گسترده از توسعه، اهمیت کاهش فقر در کشورها است، در فرآیند توسعه تخمین زده می‌شود (مبنا گزارش بانک جهانی) که از ۸ میلیارد نفر جمعیت جهان، ۳ میلیارد نفر با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می‌کنند.محرومیت همچنین با سطوح پایین آموزش و سلامت، همراه است و هدف اصلی از بین بردن فقر این است که افراد فقیر بتوانند کنترل بیشتری بر سرنوشت خود داشته باشند. این «توانمندسازی» به معنای «گسترش دارایی‌ها و قابلیت‌های افراد فقیر برای مشارکت‌های آتی جامعه است» و توانمندسازی مستلزم آن است که افراد به اطلاعات دسترسی داشته باشند، در تصمیماتی که تأثیرگذار است مشارکت داشته باشند.

در جمع‌بندی توسعه جهانی و تجارت پایدار لازم است این نکته را مهم بدانیم که رشد برای توسعه مهم است، یک سیستم آموزشی خوب، یک رژیم غذایی سالم، آب سالم و خدمات بهداشتی خوب، همگی نیازمند اقتصاد توانمند و با ثبات هستند که بر پایه تجارت جهانی حاصل می‌گردد. منابع رشد اقتصادی می‌تواند منابع لازم برای مقابله با این چالش‌های توسعه را ایجاد کند و ارتباط بین توسعه انسانی و در دسترس بودن منابع اقتصادی بسیار ممزوج است و بایستی این رابطه معنا دار هدفمند شکل یابد تا در مسیر توسعه قرار گیریم. وابستگی متقابل توسعه انسانی و توسعه اقتصادی نیز نشان می‌دهد که توسعه انسانی بعید است در مواجهه با رکودهای اقتصادی، پایدار بماند. حال آنکه رشد اقتصادی توسط دو نیروی اصلی هدایت می‌شود: یافتن راه‌های جدید و بهتر برای ایجاد اقتصاد پایدار و بهتر برای استفاده از منابع موجود، و تولید منابع مولد جدید از طریق سرمایه گذاری. سرمایه گذاری‌ها و کمک‌های خارجی نقش مهمی در استراتژی توسعه ایفا می‌کند و پیشنیاز توسعه برنامه‌ریزی‌شده و مبتنی بر سرمایه‌گذاری پرداختن به تجارت جهانی پایدار است.